فهرست

[مقدمه 2](#_Toc118574722)

[مطلب سوم : 2](#_Toc118574723)

[طایفه سوم 2](#_Toc118574724)

[طایفه چهارم 5](#_Toc118574725)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه روابط اجتماعی / ایذاء

# مقدمه

دومین محور از محورهای روابط اجتماعی بود. ایذا در مقابل آن مسرور سازی است که بحث خواهیم کرد در باب ایذا ادله‌این‌که مفید حرمت بود در ابتدا بحث کردیم و ابعاد و زوایای این ادله مباحث متعددی عرض شد که هم ادله عقلی و نقلی عامه بود و هم ادله خاصه که در خصوص ایذا واردشده بود که آن‌هم شامل آیه شریفه و تعداد زیادی از روایات بود.

در جمع‌بندی و فروعات ورود پیدا کردیم که مطلب اول جمع‌بندی ابعاد و زوایای دلالت اخبار و روایات بود که گفتیم آنچه از روایات به‌عنوان حرام استفاده می‌شود درجایی است که ایذا شدید باشد یا مقصود بالذات باشد و وجه عقلایی و شرعی همراه باشد که با رفت‌وبرگشت‌های زیاد تقریباً به جمع‌بندی رسیدیم در مطلب دوم اشاره شد که در بحث ایذا علاوه بر طایفه‌ای که قبلاً عرض کردیم که مفید حرمت ایذا بود و این طایفه با مشکلاتی مواجه می‌شد علاوه بر آن طایفه ثانیه‌ای وجود داشت که مفید مرجوحیت و کراهت ایذا دیگران است راجع به این طایفه هم پنج شش نکته را در تبیین و توضیح آن عرض کردیم در ادامه مطالب دیگری را خواهیم داشت.

# مطلب سوم :

ادله کراهت ایذا مطلق است و گفته شد این ادله مواجه با ارتکاز مانعی نیست و انواع ایذا اعم از قوی یا خفیف ازآنچه مقصود با لذات است یا بالعرض و در همه احوال می‌تواند مشمول این روایات باشد در طایفه دوم اطلاق می‌گوید ایذا کراهت دارد ولو ایذا خفیف باشد ازاین‌جهت اطلاقش محکم است و با مانعی مواجه نیست اما غیرازاین اطلاقاتی که کراهت را افاده می‌کند یا دلیل و ادله‌ای که حرمت را در دایره محدودتری اثبات می‌کرد ما دودسته روایت دیگر هم داریم که این‌ها روایات خاصه است و به‌طور خاص نوعی از انواع ایذا را منع کرده ولو به نحو کراهت و نوع دیگری از روایات ایذا گروه‌های خاص را منع کرده است بنابراین دو طایفه داشتیم که مطلقات بود که طایفه اول دال بر حرمت بود و طایفه دوم دلالت بر کراهت می‌کرد اما دو طایفه دیگر از روایات انواع خاصی از ایذا را منع می‌کند یا کراهت آن را افاده می‌کند

## طایفه سوم

طایفه سوم آن است که نوع ایذاهای خاص را منع می‌کند به کیفیت‌های خاصه‌ای از ایذا منع شد مثل ترساندن کسی طایفه چهارم این است که ایذا اشخاص خاص را منع می‌کند و مطلق مؤمن یا مسلم نیست مثل ایذا پدر و مادر. البته عرض کردیم در روال بحث به صورتی جلو می‌رویم که در تقریر بعضی قسمت‌ها را تغییر می‌دهیم ازجمله این دسته. در کتاب دانشنامه قرآن و حدیث مرحوم آقای ری‌شهری این طایفه به این صورت نقل‌شده است و در ذیل بحث ایذا فصل سوم را اختصاص به این طایفه سوم داده است و عنوان فصل «ذمُ انواع الایذاء» است. حالات متفاوتی در ایذا متصور است که من چندتایی عرض کردم. من بیشتر ارجاع می‌دهم اما نمونه‌هایی را عرض می‌کنم. مثلاً هشت یا نه عنوان خاص از نمونه‌های ایذا آورده است:

اخافه است ترساندن که در روایات خیلی تأکید شده است و مطلق ایذا نیست بلکه ترساندن مقصود است ترساندن از انواع خاص ایذائی است که متمحض در عنوان ایذا است در بسیاری از موارد ترساندن همراه با اضرار نیست که در ادله اضرار وارد شود یا بهتان یا استهزاء و عناوین دیگر همراهش نیست. این روایات غالباً مفید حرمت است و ادله خاصه نسبت به ادله‌ای که افاده حرمت می‌کرد منتها در اخافه هم تمام آنچه در ادله ایذا داشتیم وارد است این ادله مطلق است کسی که ایمان به خدا و پیامبر و قیامت دارد نباید مسمانی را بترساند: «لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أن‏ يرَوِّعَ‏ مُسْلِماً»[[1]](#footnote-1) اینها روایات عامی است در عنوان دوم می‌گوید نگاهی که دیگری را بترساند به دیگری نیفکنید«مَنْ‏ نَظَرَ إِلَى‏ مُؤْمِنٍ‏ نَظْرَةً لِيُخِيفَهُ‏ بِهَا أَخَافَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّه»[[2]](#footnote-2)‏ کسی که نگاه خشم‌آلود به دیگری بیفکند خداوند او را در روز قیامت می‌ترساند این روایت سوم در باب دوم همین بخش است و عبدالله بن سنان است و سندش شاید معتبر هم باشد «مَنْ‏ نَظَرَ إِلَى‏ مُؤْمِنٍ‏ نَظْرَةً لِيُخِيفَهُ‏ بِهَا أَخَافَهُ اللَّهُ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ وَ حَشَرَهُ اللَّهُ فِي صُورَةِ الذَّرِّ لَحْمَهُ وَ جَسَدَهُ وَ جَمِيعَ أَعْضَائِهِ حَتَّى يُورِدَهُ»[[3]](#footnote-3) عنوان اخافه به‌طورکلی آمده است یا عنوان اخص آمده است نگاهی که در آن اخافه باشد غیر از ادله‌ای که مطلق ایذا را حرام کرده است یک درجه پایین‌تر آمده است و اخافه را هم تحریم یا مکروه کرده است و از آن‌هم یک درجه ریزتر شده و گفته نگاهی که دیگری را بترساند اگر کسی متوجه کند این عقاب و آثار سوء دارد. عنوان ایذا که جای خود محفوظ است و عنوان اخص که اخافه است و نوع من الایذاء است و عنوان خاصه است که آن‌هم عبارت است از نگاه مخیف. نوع خاصی از ایذا را تحریم یا مکروه کرده است. البته در اخافه و نظره مخیفه گرچه روایات مطلق است ولی شاید بتوان گفت به اطلاق کامل آن قابل قبول نیست یک ارتکازی مقابل آن است اگر دال بر حرمت باشد یعنی صرف اینکه نگاهی بکند ولو ترس اندکی در او ایجاد کند یا اخافه ای ولو کم انجام بدهد که در مراودات عادی پیدا می‌شود معلوم نیست که همه‌ی انواع و اقسام آن را شامل شود و لذا همان مباحثی که در مطلق ایذا گفتیم اگر دلیل مفید حرمت مطلق ایذا بود با ارتکاز مواجه می‌شد و مجبور بودیم آن را محدود کنیم در این مورد هم قابل‌اجرا است. در دو طایفه روایات در ذیل طایفه سوم دو نوع و گروه از روایات داریم که اخافه و حتی نوع خاص از اخافه به‌عنوان انواعی داخل در ایذا منع شده است. این در باب اول و دوم است.

2- مزاح و شوخی‌هایی که دیگران را آزار می‌دهد و بازهم روایاتی عرض شده که عامی است مثلاً این قصه را نقل می‌کند که در سفری که اصحاب در محضر رسول‌الله (ص) بودند یکی و با دیگری شوخی کردند به شکلی که وقتی‌که خواب بود تیر را از زیر سرش برداشتند بیدار شد خیلی ناراحت شد که تیر من کجاست و دیگران ‌همه خندیدند حضرت در آنجا فرمودند «لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أن‏ يرَوِّعَ‏ مُسْلِماً» اینجا تأکید حضرت بر «لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أن‏ يرَوِّعَ‏ مُسْلِماً» هست که مطلق اخافه و ترساندن است ولی مصداق آن شوخی است که دیگری را اذیت کرد و لذا اگر همین مطلقات را بخواهیم بحث کنیم جای صحبت داشت که شامل شوخی می‌شود یا نه و بعداً هم بحث می‌کنیم اما در اینجا تطبیق مطلق بر مورد است و صراحت به این دارد که شوخی هم اشکال دارد که البته در حد کراهت است. در مورد دوم هم قصه این است که شخصی کفشش را گم کرد بعد فهمید که کسی کفش او را برداشته و جایی قایم کرده است در اینجاهم حضرت فرمودند فکیف بروعه المومن حتی شوخی‌هایی هم که موجب ترساند ن و آزار رساندن باشد در این روایات تصریح‌شده که اشکال دارد ولو به نحو کراهت. البته در اینجا نکته این است که شوخی را به‌عنوان خاص منع نکرده و مصداقی از مطلق قرار داده است و این در ثمره فقهی اثر دارد یک‌وقت مصداق آن است یک‌وقت به‌طور خاص تأکید می‌کند که در پایان بحث توضیح خواهیم داد.

3- پس اخافه به‌طور مطلق در روایات آمده است با تعبیر اخافه یا ترویع آمده است به‌طور خاص هم نمونه نگاه ترساننده و همین‌طور اخافه به نحو شوخی و مزاح در روایات آمده است در باب چهارم همین عنوان کلی فصل سوم دانشنامه قرآن و حدیث در ابواب ایذا ذیل انواع ایذا باب چهارم «الکلام مُعدیه» است حرفی بزند که دیگران را آزار بدهد در اینجا هم نمونه‌ای از علل الشرایع نقل‌شده بود یک نوعی از حرف بود که به شخصی گفت خواب دیدم که با مادرت کذا این حرف خیلی او را آزار داد که امیرالمومنین هم در آنجا با او برخورد شدید کردند. این نوعی از کلام خاص را امیرالمومنین می‌گوید این ایذا اشکال دارد.

4- در باب پنجم نجوا و تناجی را آورده است که در قرآن کریم هم هست **﴿إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ﴾**[[4]](#footnote-4) در اینجا هم آورده است «لَا يتنَاجَى‏ اثنَانِ‏ دُونَ الثَّالِثِ فَإِنَّ ذَلِكَ يؤْذِي الْمُؤْمِن‏»[[5]](#footnote-5) تعلیل شده در آنجا به همین که در آیه قرآن است اینکه اشکال او ازاین‌جهت است که دیگران را آزار می‌دهد و الله یکره اذی المومن و خداوند اذیت مؤمن را دوست ندارد.

5- در باب بعدی الایذاء بما لا یعنی است دارد کفی بالمرء عیبا.... آن یوذی جلیسه بمالایعنی یعنی چیز هایی که لغو و بیهوده است همنشین خود را آزار بده که ظهور در کراهت دارد و اطلاقش در جای خودش بدون مشکل است.

6- در باب هفتم آمده است آن رسول‌الله کان یکره آن یوجد منه ریح یتأذی منها اینکه از این که از ایشان بوی ناخوشایندی منتشر شود پرهیز داشتند یعنی حتی در این که همنشین از بوی ناخوشی آزار ببیند پرهیز داشتند. در علل الشرایع از محمد بن سنان نقل‌شده است روایت دوم از همین باب سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَكْلِ الْبَصَلِ وَ الْكُرَّاثِ فَقَالَ «لَا بَأْسَ بِأَكْلِهِ مَطْبُوخاً وَ غَيْرَ مَطْبُوخٍ وَ لَكِنْ آن أَكَلَ مِنْهُ مَا لَهُ‏ أَذًى‏ فَلَا يَخْرُجْ‏ إِلَى الْمَسْجِدِ كَرَاهِيَةَ أَذَاهُ عَلَى مَنْ يُجَالِسُ».[[6]](#footnote-6) خوردن سیر و پیاز اشکالی ندارد اما اگر میخورد مسجد نرود که دیگری آزار نبیند این هم باز کراهت است ولی در حدی که عنوان خاص هم در روایت موردتوجه قرار دارد روایت اول آن عامی است و روایت دوم علل الشرایع تام نیست چون محمد بن سنان در آن واقع‌شده است.

سؤال: این‌ها ارتکازات را به هم نمی‌زند؟

جواب: هرجایی که مکروه باشد ارتکاز مخالف آن نیست که این موارد مکروه است در اخافه که ظهور در حرمت داشت همان ارتکاز قیود را وارد می‌کند ازاین‌جهت است که بیشتر این‌ها کراهت را افاده می‌کند و موارد خاص را بیان می‌کند و مشکلی ندارد.

7- این عنوان ویژه‌تر است «العبادة المودیه» است این که عبادت را جوری انجام دهد که دیگری از عبادت او آزار ببیند این هم مورد نهی قرارگرفته است مثلاً اولین روایتش که عامی است این است و یکی دو تا روایات خاصه است اولین روایت این است که لایجهر بعضکم علی بعض فان ذلک یوذی المصلی وقتی عبادت می‌کند صدا را خیلی بلند نکند که این دیگران را اذیت می‌کند اگر جهر در عبادت باشد که شاید مقصود همین باشد یا لااقل اطلاقش هم آن را بگیرد. روایت بعدی که از سنن أبی داوود است می‌فرماید اعتکف رسول‌الله فی المسجد فسمعهم یجهرون بالقرائه فکشف الستر و قال آن کلکم مناج ربه فلایوذین بعضکم بعضا حضرت منزل بودند و نماز می‌خواندند که دیدند بعضی خیلی نماز را بلند می‌خوانند پرده را کنار زدند و فرمودند فلا یجهر بعضکم علی بعض فی القرائه او فی الصلاه در اینجا می‌گوید عبادت را جوری تنظیم کن که دیگری آزار نبیند معلوم است که ایذا حرام نیست بلکه مکروه است و کراهت در عبادت می‌شود که بحث‌هایی در اصول وجود دارد.

سؤال: اگر این مکروهات آن‌قدر زیاد باشد به حرام کشیده نمی‌شود؟

جواب: بله اگر به درجاتی برسد ملحق به ایذا محرم می‌شود باید در قیودی که برای ایذا محرم در نظر گرفتیم در اینجا صدق می‌کند اگر ایذا شدید شود حتی قصد بالعرض هم ممکن است افاده حرمت کند. اگر ایذا شدید صدق کند وارد اطلاقات می‌شود ولی در درجات پایین‌تر کراهت است.

سؤال: ...

جواب: شدید حتی اگر بالعرض هم باشد ممکن است حرام باشد ترجیح دادیم تردید به أو بین این‌ها یا شدید باشد ولی به قصد بالعرض یا خفیف باشد با قصد با لذات باشد.

در روایت دیگری که بازهم عامی است اگر کسی حضور در صف اول را که آن‌قدر ثواب دارد را ترک کند برای این که می‌ترسد کسی اذیت شود به خاطر حضور او در صف اول حضرت می‌فرماید : اضعف الله اجر الصف الاول خداوند این فردی که حضور صف اول برای ترک ایذا کنار گذاشت اجر مضاعف می‌دهد. و همین طور در اصطلاح حجر الاسود چند روایت وجود دارد روایتی از امام صادق در من لایحضر که می‌فرماید «وَ سَأَلَهُ سَعِيدٌ الْأَعْرَجُ عَنِ الْمُسْرِعِ وَ الْمُبْطِئِ فِي الطَّوَافِ فَقَالَ كُلٌّ وَاسِعٌ مَا لَمْ يُؤْذِ أَحَداً»[[7]](#footnote-7) در مورد سرعت و کندی در دویدن در طواف است، گاهی تند رفتن دیگر آن را اذیت می‌کند گاهی کند رفتن دیگران را اذیت می‌کند از حضرت سؤال شد حضرت فرمود کلٌ واسعٌ هر طور دوست دارد طواف کند طبق احوال خود مانعی ندارد اما مَا لَمْ یؤْذِ أَحَداً تا وقتی‌که دیگران آزار نبینند و تندی و کندی در آنجا نظام را به هم میزند که مفهوم دارد که اگر ایذا کند واسعه نیست. کراهت را بیان می‌کند. روایت دیگری هست که «لَا بَأْسَ بِالنَّفْخِ فِي‏ الصَّلَاةِ فِي‏ مَوْضِعِ‏ السُّجُودِ مَا لَمْ يؤْذِ أَحَداً».[[8]](#footnote-8) برای این که موضع سجود را تمیز کند فوت می‌کرده است حضرت می‌فرماید اشکالی ندارد اما قید میزند مَا لَمْ يُؤْذِ أَحَداً به‌طور خاص این روایات واردشده بود

## طایفه چهارم

در این طایفه انواعی است از حیث این که طرف ایذا کیست اینجا هم غیر از مطلقاتی که تحریم یا مکروه می‌کرد گروه‌های خاصی مورد تأکید قرارگرفته است به‌عنوان مکروه یا تحریم. این هم ابوابی دارد یکی ایذاء اهلُ البیت است اهل‌بیت رسول خدا به معنای خاص روایات متعدد داریم که منع شده است از خود حضرت زهرا(س) تا سایر اهل‌بیت این روایات را در اینجا می‌بینید.

سؤال: میگویند اهل‌بیت از گناه شیعیان آزرده می‌شوند این هم گناه است.

جواب: اگر آن روایات به بپذیریم و اطلاق آن‌ها را هم قبول کنیم که هردو محتمل است بله حرف شما درست است ممکن است بگوییم عقاب یا مفسده‌ای مضاعف در آن هست که البته باید دقت کرد که اطلاق در این‌ها هست یا نه.

سؤالی که در ادله ایذا اهل‌بیت وجود دارد این است که اینها منصرف به ایذاهای متعارف و معمول است یا اینکه اطلاق دارد و ایذاهای غیرمتعارف را هم می‌گیرد اگر منصرف به ایذا معمولی باشد ایذائی که به وجوه غیری انجام می‌شود مشمول آن نیست ولی اگر اطلاق داشته باشد شامل آن‌هم می‌شود ایذائی که الآن نسبت به حضرت ولیعصر متصور است و در روایات هم آمده است ایذائی از باب امور غیرمتعارف است این که گفته می‌شود هر دوشنبه یا هر پنج‌شنبه اعمال شیعیان به حضرت ارائه می‌شود و حضرت خوشحال یا ناراحت می‌شود این‌ها مسلم است اما این ایذاها غیرمتعارف است این روایات را باید ازاین‌جهت دقتی کرد و شاید کسی بگوید «من آذانی فی اهلی فقد آذَ الله» یا «إِنَّهُمْ أَهْلُ بَيْتِي فَمَنْ‏ آذَاهُمْ‏ آذَانِي وَ مَنْ ظَلَمَهُمْ ظَلَمَنِي وَ مَنْ أَذَلَّهُمْ أَذَلَّنِي وَ مَنْ أَعَزَّهُمْ أَعَزَّنِي»[[9]](#footnote-9) ممکن است کسی احتمال اول را بگوید که منظور ایذاهای متعارف است ولی اگر کسی اطلاق را بگیرد شامل این‌ها هم می‌شود ولی مسلم است که گناهان و معاصی ائمه را اذیت می‌کند ولی این تأذی به وجه غیرعادی است و باید بگوییم آن‌ها را هم می‌گیرد ولی اگر بگوییم منصرف به ایذاءهای عادی است شامل این‌ها نمی‌شود. اگر در مرئا و محضر حضرت معصیت‌هایی بکند که حضرت را ناراحت کند شامل اینها هست.

سؤال: نظر حضرت‌عالی چیست؟

جواب: تردید دارم بعضی از اینها انصراف دارد ولی ممکن است اطلاق داشته باشد.

سؤال: انصراف فقط در ادله لفظی امکان دارد درحالی‌که یکی از ادله ایذا که عقلی بود انصراف داشت.

جواب: این قانون عقلی هم ممکن است بگوییم آنچه عقل می‌فهمد همان ایذا در روابط عادی است و نمی‌شود از اول بگوییم آن قانون قید دارد. قاعده عقلی تخصیص و تقیید برنمی‌دارد اما تقید و تخصص می‌تواند داشته باشد ممکن است کسی بگوید از اول در آن قید است.

سؤال: ما قدرت این را نداریم که انسانی که در بهشت است اذیت کنیم ولی اگر چنین قدرتی داشتیم عقل امتناعی داشت که ظلم حرام است؟

جواب: ممکن است بگوید آنچه من می‌فهمم این است که شکل عادی و متعارف باشد

این هم سؤالی که عرض کردید پاسخش این است گرچه برای من وضوح ندارد البته در ابتدا می‌گوید و تأملی در آن نکردم.

عنوان دیگر ایذا مجاهد است کسی که درراه خدا جهاد می‌کند و سربازی می‌کند در اینجا عنوان خاص دارد عنوان بسیار مهم دیگر والدین است عنوان دیگر همسر است و عنوان دیگر همسایه است و هکذا

آنچه باید عرض کنم در ذیل بحث سوم این است که در مطلب سوم گفتیم به‌جز آن دو طایفه روایاتی که اطلاق داشت که یک گروه آن حرمت بود و یک گروه هم مفید مرجوحیت است دو طایفه خاصه داریم که هریک از اینها در ذیل عناوین خاصه دارند. این دو طایفه خاصه‌ این بود که طایفه سوم انواع و کیفیت خاصی از ایذا را به‌طور ویژه نهی می‌کرد به نحو کراهت یا حرمت طایفه چهارم این بود اقسامی از ایذا نسبت به متأذیان خاص به‌طور ویژه نهی می‌شد ازجمله والدین و همسر و عمده هم اهل‌بیت بود و ذیل هرکدام عناوین متعدد و ویژه بود که ملاحظه کردید نسبت به این‌ها چند نکته باید عرض کنیم ان‌شاءالله در جلسه بعد.

1. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج12، ص271، أبواب أبواب احكام العشرة في السفر والحضر، باب147، ح7، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/12/271/يروع) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الكافي- ط الاسلامية، الشيخ الكليني، ج2، ص368.](http://lib.eshia.ir/11005/2/368/لِيُخِيفَهُ) [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج17، ص209، أبواب أبواب ما يكتسب به، باب49، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/17/209/مورده) [↑](#footnote-ref-3)
4. . سوره مجادله آیه 10 [↑](#footnote-ref-4)
5. [بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج38، ص300.](http://lib.eshia.ir/71860/38/300/يتناجى) [↑](#footnote-ref-5)
6. [بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج81، ص9.](http://lib.eshia.ir/71860/81/9/أذاه) [↑](#footnote-ref-6)
7. [من لا يحضره الفقيه‏، الشيخ الصدوق‏، ج2، ص411.](http://lib.eshia.ir/11021/2/411/الْمُسْرِعِ) [↑](#footnote-ref-7)
8. [وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج6، ص350، أبواب أبواب السجود، باب7، ح2، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/6/350/بالنفخ) [↑](#footnote-ref-8)
9. [بحار الأنوار - ط دارالاحیاء التراث، العلامة المجلسي، ج38، ص94.](http://lib.eshia.ir/71860/38/94/آذاهم) [↑](#footnote-ref-9)